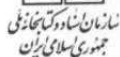


از نراق تا ترکمان چای

شرح احوال و احوال نراقی

و

حضور علماء در جنگ های ایران و روس



عنوان و نام پدیدآور: از نراق تا ترکمان چای : شرح احوال ملا احمد نراقی و حضور علما در جنگ‌های ایران و روس / [مؤلف مجید پور شافعی].
مشخصات نشر: مشهد: مجید پور شافعی، ۱۳۹۷.

شاپک: ۱۲۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۴-۹۷۰-۲

یادداشت: کتابنامه: ص: ۱۴۹.

موضوع: نراقه، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵-۱۲۴۵ق.

Naraqī, Ahmad ibn Muḥammad Maḥmūd: مرقاة المفاتیح

موضوع: مجتهدان و علما - ایران - فعالیت‌های سیاسی

Ulama — Political activity — Iran: موضوع

موضوع: ایران - تاریخ - فاجران، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق. - روحانست

Clergy — ۱۹۲۵-۱۷۷۹, Iran — History — Qajars: موضوع

موضوع: ایران - تاریخ - قاجار، ۱۹۱۰ - ۱۳۴۰ ق. - جنگ باروسه، ۱۲۱۸ - ۱۲۴۳ ق.

۱۸۲۸-۱۸۰۳, War with Russia — ۱۹۲۵-۱۷۷۹, Iran — History — Qajars: موضوع

موضوع: ایران - روابط خارجی - روسیه

Foreign relations — Russia: موضوع

موضوع: روسیہ — روابط خارجیہ — ایران

موضوع: ایران — Foreign relations — ایران

دو بندے، کنگ: ۱۵۳ BP/۴۷، ۱۳۹۷۹

دو پلاک : ۹۹۸/۲۹۷

۹۹۷۲۹۷ : ده بندی دیوپی

از نراق تا ترکمان چای : شرح احوال ملا احمد نراقی و حضور علما در سنگ های ایران و روس

نویت چاپ: اول، شمارگان ۱۰۰۰ - بهار ۱۳۹۷

قطعه ۱ قع (۱۴۹ صفحه)

قطع رفعی ۱۱۶ صف

قیمت ۱۲۰۰۰ تومان

طرح روی جلد: اشکان آزادمنش

Mpoorshafei@yahoo.com : مپور شافی

ایمیل : @yahoo.com

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

دیباچه

۹

بخش اول: شرح احوال ملا احمد نراقی

خاندان -- تصیلات -- آثار -- اندیشه‌ها (طاق‌دیس - نراقی) و یغمای جندقی
نراقی و روایت عشق -- نكوهش دنیا - نكوهش صوفیان و فقیهان بی‌عمل
بازتاب تجاوز روسیان بر آئینه اشعار نراقی

۵۸

بخش دوم: فتح علی شاه و علما

(انگیزه حمایت علمای شیعی از فتح علی شاه
الف: خلق و خوی و منش و رفتار فتح علی شاه (سلوک با رعیت، مشی علمی
و ادبی، مشی دینی)

ب) استقرار حکومت قاجاران و برقرار آمدن اسلام در ایران

ج) فعالیت صوفیان، شیخی‌ها و اخباریون در عهد فتح علی شاه

د) جنگهای ایران و روس

۸۸

بخش سوم: جنگهای ایران و روسیه

جنگهای اول ایران و روسیه - گلستان - اعلان جهاد علمای شیعه - جنگهای

دوم ایران و روسیه - ترکمان چای

۱۳۴

سخن پایان

۱۳۶

سالشمار

۱۴۹

منابع و تحقیقات

«جهان را صاحبی باشد خدا نام»

دیباچه

این شکل که من دارم، ای خواجه که را مانم؟
یک لحظه پری شکلم، یک لحظه پری خوانم
در آتش مشاقتی، هم جمعم و شمع
هم دورم و هم نیم هم جمع و پریشانم
جز گوش ربان دل، از خشم نمالم من
جز چنگ سعادت از رخمن نرنجانم
ای خواجه! چه مرغم من، نی کبکم و نی بازم
نی خوبم و نی زشتم، نی اینم و نی آن
نی خواجه بازارم، نی بلبل گلزارم
ای خواجه! تو نامم نه، تا خویش بدان خرم
نه بنده، نی آزادم، نه موم نه پولادم
نه دل به کسی دادم، نه دلبر ایشانم^۱

در بخش‌هایی از جنوب خراسان، به آدم‌هایی که عادت دارند خواب حرف
بزنند می‌گوییم «واگویه می‌کنند» این «واگویه»‌ها گاهی مربوط است و بر
گرفته از واقعیت و گاه نامربوط و بیگانه با واقعیت؛ که به پریشان‌گویی نزدیکتر
است. و «واگویه» با این دومی، بیشتر و بهتر همخوانی دارد.
زیگموند فروید (۱۹۳۹م-۱۸۵۶) می‌گفت: روح آدمی وحشی‌ست، بی‌مهاری و
بی‌ادب.

^۱ - مولانا جلال الدین: دیوان کامل شمس تبریزی، تهران، جاویدان، چاپ هفتم، ۱۳۶۶. ج ۲ غزل ۹۸.

اما وقتی به میان همנוعان و در دل زندگی وارد می‌شود، روی «من» او (Ego) یک «سوپر اگو» *superego* تنیده می‌شود؛ یک «من برتر» که می‌آید و آن من زیرین (ایگو) را به بند می‌کشد و به او یاد می‌دهد، آنچنان که در خلوت خویش هستی، نمی‌توانی در حضور دیگران، همان گونه باشی.

در مرحله «ایگو»، شاید بخوهد به گاه گذر از پیشخوان میوه فروشی، انار یا سیبی را که اغواگرانه به تو چشمک می‌زند برداری؛ شاید دلت بخوهد، زنگ در خانه‌ای را بزنی و لابلای وار، کوچه را ترک کنی؛ یا با انداختن لگدی به لاستیک ماشین گران قیمتی، صدای آژیر دزدگیرش را در بیاوری.

و حتی شاید بخوهد بی برهنه باشی و

اما «سوپر اگو» می‌آید و آن وحشی‌گری و بی‌مبالاتی‌ات را مهار می‌زند. خواب قلمروی بگ است. دای از عالم بیداری. آدمی در خواب بر می‌گردد به همان برتریت نخستین، بی‌مبالات، بی‌پروا و بی‌ملاحظه غیر. آدمی در خواب خویشتن را، از فیلو اجتماعی رها می‌بیند و دست به کارهایی می‌زند که در بیداری، سخت از آن ریزان است.

تمام ملاحظات ظاهری اعم از اجتماعی و اخلاقی و دینی در خواب کنار می‌روند؛ حتی قوانین فیزیک مانند جاذبه یا ثقل، زمان و یا فواصل مکانی زیر دست و پا لوله می‌شود.

انسان در خواب، خویشتن را در یک «رهایی مطای» می‌یابد، یک رهایی سکرآور.

واگویه در معنای نخستینش مرز پریشانی با این دومی دارد، رری لرزان و ژله مانند و سیال.

این قلم در بخش‌هایی از نوشته پیش رو، به چنین احوالی دچار شده است. و شما عزیزی که این نوشته را می‌خوانید، هم می‌توانید از «ظن خویش» بر این واگویه بنگرید و هم از سر شفقت و مهر، در «اسرار درونی» آن کاوش فرمایید.

نیزه بازی اندرین گوهای تنگ

نیزه بازان را همی آرد به تنگ

وقت تنگ و خاطر و فهم عوام

تنگ تر، صد ره ز وقت است ای غلام^۲

به راستی حضرت مولانا در چه تنگنایی بوده است که در چهار مصرع، چهار بار،

از تنگی یاد کرده است؟

تنگی کی و گذرها، تنگی درک و دریافت و هاضمه فهم مردمان، تنگی وقت،

که مجال نیزه بازی را از نیزه بازان ستانده است.

در بخش سومین این سند سر می‌بینیم، ایرانیان در جنگ با روسیان، بارها پیروز

شدند اما در گفتگوهای سیاسی و در میدان دانش دیپلماسی به سختی

درمانده.

به گفته استاد عبدالحسین زرین‌کوب «در مذاکره صلح، رجال آگاه و فساد

ناپذیر و باخبر از دنیا حاجت بود و در بیرون عطفایان خاقان [فتح‌علی‌شاه] از این

گونه کسان نبود»^۳ آنانی که بودند به دلیل تربیت سنتی، یا ساده لوح بودند و

خوش باور و یا به گونه رقت باری فسادپذیر و آواره بودند.

دیگر بازیگران آن روزگار نیز، آگاهی بسنده از جغرافیای جهان پیرامون خویش

نداشتند و جهان را قدر دیده خویش دیده بودند. در جهان بی تنگ و بسته

آنان، عالم در برگیرنده چند روستا و قصبه و شهر بود و بعد از آن بیس قریه

و راء عبادان» اگر هم قریه‌ای بود، کافرستان بی‌مقداری بود که شاید کسی اعتنا

نداشت.

در حالیکه «ورای عبادان» یا همان آبادان، دولت عثمانی نشسته بود و آن سوتر

اروپا با تکان‌های دوران‌ساز پس از رنسانس و اصلاح دینی و اکتشافات

^۲ مثنوی شریف: دفتر چهارم، ب ۱۴۸۵ به بعد

^۳ عبدالحسین زرین کوب: روزگاران، تهران، سخن، ۱۳۷۹، چاپ دوم، ص ۷۹۹.

جغرافیایی، تا می‌رسید به عصر روشنایی و انقلاب کبیر و حقوق بشر و انقلاب صنعتی و قدرت تکنیکی و توان رزم آوری و در پی آن دیپلوماسی ورزیده و کار آمد.

جنگ‌های دوره اول ایران و روسیه (۱۲۲۸-۱۲۱۸ ق) زمینه‌های چندی داشت؛ که مهمترین آن، عمل به وصیت نامه پطر کبیر بود و رویای شیرین روسیان، برای دستیابی به آبهای گرم.

ثبت است در این جنگها که به معاهده گلستان انجامید، حباب غرور خاقان فتح‌علی‌شاه و سر رشته داران حکومت ایران را ترکاند و چونان تشت آبی بر روی و خسارتی، خواب سیصد ساله خفتگان کهف را آشفته ساخت. چشم گشودند و ریافتند جهان دیگر شده است و سکه آنان، در بازار به پیشیزی نمی‌ارزد و آموختند که کاروان پرشتاب پیشرفت، بسیار عقب مانده‌ایم و با توپ و تفنگ‌های روس، اقویولویان و مرده ریگ قزلباشان، نمی‌توان در برابر سلاح‌های پیشرفته و مرمی‌های بسیار ایستاد.

ما در جنگ‌های دوره دوم ایران و روسیه پا به میدانی نهادیم که یک بار در جنگهای دوره اول خویشتن را و حرف از آزموده بودیم و روا نبود که پیروان پیامبر خاتم (ص) از یک سوراخ دوبار گریه شوند.

بازخوانی این پرونده و پرداختن به تأملات و افکار ملا محمد نراقی - که یکی از پاره‌های فرهنگی این دیارست - در واقع پرداختن به نو و تاریخ خودمان است.

سخن از نراقی و تجدید خاطره با این مرد بزرگ، بهانه‌ای است که دیگر با درخود نظر کنیم و فرهنگ خویش را از نو ارزیابی نماییم.

این نوشته در برگیرنده سه بخش است: بخش نخستین، شرح احوال ملا احمد نراقی، خاندان و تحصیلات و پاره‌ای از اندیشه‌های او.

بخش دومین: چند و چون پیوند علما و روحانیون و انگیزه‌های پشتیبانی اهل شریعت با فتح‌علی‌شاه.

سومین بخش: جنگ‌های دوره اول و دوم ایران و روسیه و نقش روحانیون و مراجع در آن جنگ‌ها.

پایه این بخش‌ها زمانی نهاده شد که شادروانان، دانشمند ارجمند جناب آقای کاظم مدیر شانه‌چی و جناب آقای دکتر مسعود فرنود حیات داشتند و این نوشته به پایمردی مشفقانه آن دو بزرگ پدید آمد.

اکنون آن ده سفر کرده در میان ما نیستند؛ به روان‌شان درود می‌فرستم و از درگاه ع‌یت و فضل خداوند، می‌خواهم تا درهای رحمت خویش را به روی بندگان‌ش بگشاید و آنان ما را بینایی بخشد تا واقعیت‌ها را آن گونه که هستند دریابیم و رفیق سراسر است فرماید که همواره «پی‌آواز حقیقت بدویم».

مجید پورشافعی - مشهد

ز بهستان ۱۳۹۶ خورشیدی